

بررسی و شناسایی تدفین دوره ساسانی شهرستان شوشتر

مهرداد حاتمی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

علی اصغر میرفتاح*

استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

رضا شعبانی صمغ‌آبادی

استاد گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

چکیده

موضوع این پژوهش بررسی معماری صخره‌ای بر اساس الگوهای تدفین دوره ساسانی است. در این دوره در راستای عمل به دستورات و فرامین دین زرتشت، از آنجایی که خاک یک عنصر مقدس به حساب می‌آمده، برای جلوگیری از آلوده شدن آن با جسد مرده، انجام امور تدفین به صورتی غیر از شیوه خاک‌سپاری اهمیت یافته است. جهت بررسی این موضوع، علاوه بر انجام بررسی‌ها و مطالعات میدانی، در متون نظری به پژوهش‌های قبلی انجام‌شده در این زمینه استناد و چارچوب نظری این پژوهش بر همین مبنا تنظیم شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه استودان‌ها و دخمه‌های اطراف شهرستان شوشتر است که بالغ بر ۱۳۰ عدد می‌باشند و با توجه به اینکه همه این آثار مورد مطالعه قرار گرفت، از شیوه تمام شماری استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعتقادات روحانیون زرتشتی در چگونگی انجام دمرحله‌ای تدفین و انتخاب الگوی «معماری صخره‌ای» نقش داشته و بیشتر از سایر شیوه‌های تدفین دوره ساسانی مورد توجه قرار گرفته است. بدین معنی که شاخص‌های معماری از جمله دخمه‌گذاری، شیوه طاق‌زنی در بخش ورودی استودان‌ها و کتیبه‌هایی که به خط پهلوی ساسانی در کنار این آثار قرار گرفته است، با متون مذهبی و معماری تدفینی مطابقت دارد.

واژه‌های کلیدی: ساسانیان، مذهب، تدفین، معماری صخره‌ای، شوشتر

۱. مقدمه

بایستی توجه داشت که مطالعه‌ی جامعه‌شناسی و تاریخ ادیان و فلسفه مذاهب نمی‌توانند بدون توجه به آثار به‌جای مانده از اقوام باستانی، که به‌نوعی به فلسفه مرگ و نیستی و برخورد انسان نسبت بدان مربوط می‌شوند، به نتیجه‌گیری صحیح و بازسازی اعتقادات پیشینیان و تأثیر آن در حرکت و تحول انسان و تاریخ آن منجر شود. در دوره ساسانی با رسمی شدن دین زرتشت توسط پادشاهان و قدرت گرفتن مغ‌ها و روحانیون، سعی بر آن بوده که شیوه تدفین نیز مطابق با شرایع و قوانین کتاب‌های دینی انجام شود. در این راستا می‌توان به یکی از کتاب‌های مقدس دوره ساسانی به نام وندیداد اشاره نمود که در فرگردهای مختلفی از آن به نام قانون پاکیزگی، برای نخستین بار از آیین تدفین مردگان سخن به میان رفته و بر نهادن استخوان‌ها در استودان پس از متلاشی شدن جسد تأکید شده است: «...ای اهورامزدا جسد را کجا باید نهاد؟ اهورامزدا پاسخ می‌دهند: در بالاترین نقطه و درجایی که سگ‌ها و لاشخورها هستند...» (وندیداد، ۶، ۴۴ و ۴۵) «...ای اهورامزدا {پس از آنکه جسد توسط سگ‌ها و لاشخورها خورده شد} استخوان‌های مرده را باید کجا گذاشت؟ اهورامزدا پاسخ می‌دهد پرستندگان مزدا باید استودانی بسازند در سنگ که سگ و روباه و گرگ به آن دسترسی نداشته باشند و آب باران در آن راه نیابد...» (وندیداد، ۶، ۴۹ و ۵۰ در رضی، ۱۳۷۶: ۶۸۹-۶۸۸). در اعتقادات زرتشتیان چهار عنصر مقدس یا به اصطلاح چهارآخشیج (آب، خاک، آتش و هوا) نباید آلوده گردند و از آنجائی که دیوی ناپاک به نام نسو/نسوش *Nasuš* موجب مرگ می‌شد، لذا جسد مرده نیز از آلاینده‌ها به حساب می‌آمده و برای اینکه خاک آلوده نگردد آن‌ها جسد را خاک نمی‌کردند (گیرشمن، ۱۳۸۰: ۱۸۰).

بر این اساس، آن‌ها اجساد مردگان خود را ابتدا بر فراز کوه‌ها، پشته‌ها و بلندی‌هایی که در آن‌ها "دخمه‌ها" ساخته شده بود، قرار می‌دادند تا پس از انجام خورشیدنگرشنی (۱)، گوشت این اجساد توسط پرندگان خورده شود و زمانی که فقط استخوان‌های آن‌ها باقی مانده و به اصطلاح از آلودگی پاک می‌شدند، استخوان‌ها را به استودان‌ها (۲) منتقل می‌نمودند (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۲۹) و (Molleson, 2009: 2). این شیوه تدفین در دین زرتشت، باعث شده است در دوره ساسانی از سطح کوه‌ها و صخره‌ها برای اجرای مراسم تدفین بهره گرفته و یک الگوی معماری خاصی شکل گیرد. تعداد زیادی از این آثار در شهرستان شوشتر برجای مانده است که نشان از اهمیت این شهر در دوره ساسانی می‌باشد. لذا در این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال هستیم که الگوهای تدفین دوره ساسانی چه تاثیری بر معماری آن دوره داشته است؟

۲. معرفی موقعیت جامعه مورد مطالعه

در راستای نتیجه مستقیم سیاست رشد و توسعه شهرنشینی، تجارت و بازرگانی دولت ساسانی در جنوب غرب ایران، یافته‌های باستان‌شناختی نمایانگر افول جمعیت روستایی و مهاجرت به شهرها در مناطقی از جمله خوزستان و بنای شهرهایی مانند شوش و شوشتر می‌باشد (دریایی، ۱۳۸۳: ۷۲، ۱۰۷، ۱۲۰). این شهرستان با مساحت ۳۴۴۰ کیلومتر مربع در ۳۲ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جغرافیایی و ۴۸ درجه و ۲۰ دقیقه طول جغرافیایی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. فاصله این شهرستان از مرکز استان یعنی اهواز ۹۳ کیلومتر است. این شهر از شمال به کوه‌های بختیاری و شهرستان دزفول، از غرب به شهرستان‌های دزفول و شوش، از شرق به شهرستان مسجدسلیمان، از جنوب اهواز و از جنوب شرقی به شهرستان رامهرمز محدود می‌شود (نقشه شماره

۳-۱). کوه‌های واقع در محدوده این شهرستان کم ارتفاع بوده و معروف‌ترین آن‌ها کوه تفت به ارتفاع ۲۰۵ متر، کوه امامزاده به ارتفاع ۲۹۳ متر، کوه چال به ارتفاع ۴۹۴ متر و کوه سیاه به ارتفاع ۶۰۶ متر می‌باشد. از جمله مهم‌ترین پدیده طبیعی این شهرستان رودخانه کارون می‌باشد که با طول ۸۹۰ کیلومتر بزرگ‌ترین رود ایران به حساب می‌آید. این رودخانه به بخش مرکزی این شهرستان وارد و در قسمت شمال شهر به دو قسمت «شطیط» و «گرگر» تقسیم می‌شود. شهر شوشتر توسط این دو شاخه به جزیره‌ای تبدیل شده که اراضی آن به میاناب موسوم است. این دو شاخه در ۴۰ کیلومتری جنوب شوشتر در محلی به نام بند قیر مجدداً به هم پیوند می‌خورند. از نظر آب‌وهوا، شهرستان شوشتر از مناطق گرمسیری ایران به حساب می‌آید (تقی زاده، ۱۳۸۱: ۲۲-۲۳). چنانکه از آثار پیشینیان برمی‌آید، گویا قبلاً در منطقه شوشتر آب‌وهوا شرایط مطلوب‌تر بوده است. در سفرنامه ابن بطوطه از شهر شوشتر بانام تستر یاد شده است. او در این سفرنامه می‌نویسد: «...سرانجام به شهر تستر رسیدم که در قلمرو اتابک و سرحد بین دشت و کوهستان است. تستر شهر بزرگ، زیبا، خرم و دارای پالیزهای نیکو و باغ‌های عالی است، بازارهای متعدد دارد. از شهرهای قدیمی است که خالد بن ولید آن را فتح کرد. نهر معروف «بازرق» گراگرد تستر را فراگرفته است...» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۳۷). (رهبر، ۱۳۸۳: ۴). محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در کتاب تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران می‌نگارد: «سوزیان اسم خوزستان بوده و پایتخت آن را سوز و سوس می‌گفته‌اند که همان شوش باشد، و بعد از اینکه شوش خراب شد، در نزدیکی آن، شوشتر را بنا کرده‌اند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۰).

این شهر در دوره ساسانیان پس از آنکه شاپور اول جانشین اردشیر بابکان شد (۲۴۱م) رونق بیشتری گرفت. والرین امپراطور شکست‌خورده روم در مقابل سپاه ایران، وقتی به اسارت درآمد به شوشتر اسکان داده شد و وادار به ساختن سد و پل شادروان شد (تقی زاده، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۴)، (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۲۴۶). در کتاب شهرستان‌های ایران شهر اشاره می‌شود که شهر شوشتر توسط شوشین‌دخت همسر یزدگرد ساخته شده است (Daryae, 2002: 2). شوشتر در زمان ساسانیان یکی از مراکز مهم خوزستان و در بسیاری از موارد حاکم-نشین ایالت بوده است. به طوری که در اواخر حکومت ساسانی وقتی هرمان از طرف یزدگرد سوم برای مقابله با مسلمانان به خوزستان اعزام گردید در شوشتر استقرار یافت ولی سرانجام کاری از پیش نبرد و این شهر توسط سپاه اسلام به رهبری ابوموسی اشعری به تصرف درآمد (تقی زاده، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۴). از جمله آثار موجود در این شهر که نشان از قدمت فرهنگی و تاریخی آن دارد می‌توان گلالک و شهر باستانی دستوا (افشارسیستانی، ۱۳۸۰: ۲۵۹-۲۳۳)، (رهبر، ۱۳۷۶: ۱۷۶)، (سرفراز، ۱۳۴۸: ۷۸-۷۶) پل‌ها، سدها و آسیاب‌های آبی (اقتداری، ۱۳۷۵) قلعه سلاسل (میرفتاح، ۱۳۵۵: ۷۷-۶۸) آثار موجود در منطقه میاناب (مقدم، ۱۳۸۴) و آثار مذهبی مربوط به دوره اسلامی از جمله مقابر و امامزاده‌های این شهر را نام برد.

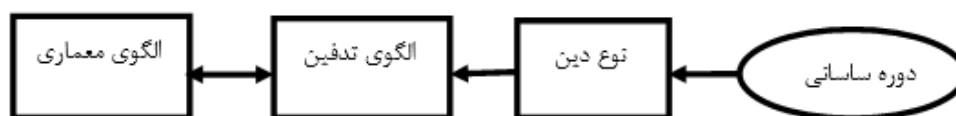
۳. دین و الگوهای تدفین در دوران ساسانی

دین یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی را در ایران باستان تشکیل می‌داده است. در دوران تأسیس و سپس تحکیم اساس حکومت ساسانی اردشیر بابکان و سپس پسرش شاپور اول به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر در راه استقرار مبانی دین واحد در سراسر امپراطوری تلاش نمودند و آن را هم‌زاد با شهریاری می‌دانستند (شاکد، ۱۳۸۱: ۵۷)، (لوکونین، ۱۳۸۴: ۲۲) و (Daryae, 2009: 6). در این دوره برخلاف دوره قبل که با تفکر سنتی و ایلیاتی و مسامحه در مذهب همراه بود، تفکر شاهی که از پارس‌های یکجانشین و سخت‌گیر در امور مذهبی و

امور دینی بهره گرفته بود اهمیت یافت (فرای، ۱۳۷۳: ۲۸-۲۷) و (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۱۹). در دوره ساسانی به نظر می‌رسد که احکام مختلف اجتماعی، آیینی و مذهبی در راستای شریعت و اعتقادات زرتشتی در خصوص تدفین صادر گردیده است. (Daryae, 2009: 66) بر اساس فصل‌ها و فرگردهای وندیداد، تدفین در بین زرتشتیان در دو مرحله صورت می‌گرفته است، به طریقی که ابتدا باید جسد مرده را بر فراز کوه‌ها، پشته‌ها و دخمه‌ها، و بلندی‌هایی قرار داده و دست، پا و موهایش را سخت بر زمین می‌بستند تا درندگان و لاشه خواران گوشت‌های آن را خورده و در مرحله بعد استخوان‌ها را جمع‌آوری کرده و سپس در استودان می‌ریختند (رضی، ۱۳۷۶: ۱۴۷ و کریستین سن، ۱۳۷۷: ۶۴).

۴. معماری تدفینی

با توجه به درآمیخته شدن باورها و آئین‌های تدفین با مذهب در دوره ساسانی، معماری آن‌ها نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. علی‌رغم استفاده از دخمه و استودان‌ها در بدنه صخره‌ها به‌عنوان رایج‌ترین الگوی تدفین، شیوه‌های مختلف معماری تدفین در دوره ساسانی از قبیل ظروف سنگی برای نگهداری بقایای استخوانی اجساد (در محوطه‌های بیشاپور و فراش‌بند فارس)، استودان‌های ستونی با چاله‌ای در سطح برای نگهداری استخوان‌ها (در محوطه دو گور دو پا در کهگیلویه و بویراحمد) و پنگان در شمال فارس، خمره‌های تدفینی (گورستان شغاب بوشهر) عمدتاً در سنگ ایجاد شده‌اند (۳) (Farjamirad, 2015: 25-30). نمونه‌های نادر تدفین در خاک که مغایر با اعتقادات زرتشتی هستند نیز در کنگلوی مازندران به پیدایی آمده است (سورتیجی، ۱۳۹۰: ۹۲-۷۷). در شهرستان شوشتر دست‌کندهایی صخره‌ای وجود دارد که می‌توان آن‌ها را بر پایه شواهد معماری تدفینی موجود و با استناد به انجام عمل خورشیدنگرشی و قانون دخمه‌گذاری اجساد، به‌عنوان مرحله اول تدفین در نظر گرفت. دخمه‌ها، محلی بالاتر از سطح زمین‌های اطراف برای قرار دادن جسد به‌صورت موقت بوده تا در نهایت بقایای استخوانی آن به استودان‌ها منتقل شود. به عقیده صاحب‌نظران محل دخمه، در مکانه‌ای مختلفی مانند سردابه، برج، شکاف کوه‌ها و سنگ‌ها متنوع بوده است (رضی، ۱۳۷۶: ۱۴۷). دخمه‌های شوشتر عموماً محوطه‌های روبازی هستند که در مجاورت استودان‌ها و داخل سنگ‌ها کنده شده‌اند (تصاویر شماره ۲-۱). به نظر می‌رسد از آنجایی که مرحله دوم و نهایی تدفین در استودان‌ها انجام می‌شده، تمرکز بیشتری در شکل بخشیدن به معماری آن‌ها اختصاص یافته است. این شیوه بیشتر رسمی فراخ‌مانشی بوده و سپس با ظهور شاهنشاهی ساسانی در سده ۴ میلادی رونق گرفته است. (فرجامی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۴) شواهد این شیوه تدفین در استان فارس به‌عنوان مرکز حکومت ساسانی، در مناطق لامرد و محمدآباد نیز کشف شده است. (Farjamirad, 2015: 362) بررسی و مطالعه ویژگی‌های معماری این آثار و تلفیق آن با دیدگاه‌های مطرح‌شده در کتاب‌های مذهبی و دینی دوره ساسانی، علاوه بر تاریخ‌گذاری آن‌ها، می‌تواند راهگشای مطالعه سایر آثار مشابه در دیگر نقاط ایران نیز باشد. خلاصه مطالب نظری ارائه‌شده که مبنای تحقیق حاضر است را می‌توان به‌صورت مدل زیر پیشنهاد نمود.



شکل ۱: مدل پیشنهادی نگارنده جهت بررسی معماری قبور

۵. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر با استفاده از گزاره‌های باستان‌شناختی موجود و مطالعات تاریخی تطبیقی است. بدین معنی که شاخص‌های معماری صخره‌ای بر اساس متون نظری استخراج و یافته‌های تجربی بر اساس این شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. جامعه آماری ما را تمام دخمه‌ها و استودان‌هایی که در شهرستان شوشتر قرار دارند در برمی‌گیرد که بالغ بر ۱۳۰ عدد می‌باشند. شیوه نمونه‌گیری تمام‌شماری بود. ابزار مورد مطالعه برای جمع‌آوری داده‌های تجربی، از دستگاه موقعیت‌یاب جهانی *GPS* استفاده شد و در این مرحله عکاسی، طراحی پلان و فضای داخلی صورت گرفت. در مرحله دوم مجموعه اطلاعات به‌دست‌آمده را با توجه به توصیف دقیق و ارتباط آن‌ها با مسائل آئینی در ایران باستان و احياناً تطبیق با تحلیل‌هایی که در این خصوص در دیگر مناطق شکل گرفته و مطالعات کتابخانه‌ای جهت روشن شدن هویت و کاربری اصلی آن‌ها انجام و در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری ختم شد.

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱. برد میل

در کیلومتر ۱۸ جاده شوشتر- مسجدسلیمان، در قسمت چپ جاده رو به سمت جنوب به صورت منفرد استودان برد میل قرار گرفته است. ورودی این استودان که در صخره‌ای عمودی از جنس سنگ‌های آهکی تراشیده شده، دارای قاب کنده‌شده هلالی شکل به ابعاد $۸۵ * ۶۰$ سانتیمتر است که قسمت پائین آن زاویه‌دار می‌باشد. نمای آن یادآور پیشرفت‌های معماری دوره ساسانی در اجرای طاق‌های قوسی می‌باشد. قسمت داخلی بنا دارای ابعاد $۲,۱۰ * ۱,۱۰$ متر و در وسط آن چاله‌ای به ابعاد $۱ * ۱,۲۰$ و به عمق ۸۰ سانتیمتر بوده که احتمالاً برای ورود استخوان‌های جدید به کار گرفته می‌شده است. علی‌رغم اینکه به خاطر دخالت‌های انسانی آثاری از شواهد استخوانی به‌طور گسترده از داخل این استودان به دست نیامده، اما بررسی‌های صورت گرفته بر استودان‌های دیگر مناطق حومه این شهرستان نشان می‌دهد که از این فضاها به‌دفعات مختلف در انجام امور تدفین استفاده می‌شده است (درخشی و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۷) (تصویر شماره ۱۳).

۶-۲. پیر گبری

در کیلومتر ۱۰ جاده شوشتر- مسجدسلیمان در سمت راست جاده روستایی به نام پیر گبری قرار گرفته است. با مطالعه اسامی نام‌های آبادی‌های کشور مشخص می‌شود که قریب به اتفاق روستاها و یا اماکن باستانی که نامشان با پیشوند «برد» یا «گوری» آغاز می‌شده در امتداد کوه‌های زاگرس احداث شده و دارای آثاری از دوره‌های باستان می‌باشند (حیدری، ۱۳۷۷: ۲۳۱-۲۰۴). تعداد ۱۲ استودان در قسمت‌های شمالی، شرقی و جنوبی دره‌ای چسبیده به ضلع شرقی و در کنار قبرستان روستا قرار دارند. در ضلع شرقی ۴ استودان به ابعاد ۱ تا $۱,۲۰$ متر ارتفاع و عرض ۵۰ تا ۶۵ سانتی‌متر در مجاور هم که ۲ به ۲ به وسیله راهرویی به هم وصل می‌شوند. نمای ورودی ۳ تایی آن‌ها حالت قاب‌دار ایجاد شده و ورودی آن‌ها از چهارچوب عقب‌تر قرار گرفته که می‌تواند به خاطر جلوگیری از ورود آب باران و هدایت آن به اطراف درب ورودی به این فرم ساخته شده باشند. با توجه به حفره‌ای (کلون درب) که در بالای یکی از آن‌ها در نمای داخلی قرار دارد به نظر می‌رسد که دارای درب داخلی بوده و بعد از انجام مراسم تدفین ورودی آن بسته می‌شده است (تصویر شماره ۱۰) در قسمت جنوب

روستا و شمال دره، ۴ استودان در مجاورت همدیگر کنده شده است. دو نمونه از آن‌ها از قسمت داخل با یک راهرو متصل می‌شوند. افراد محل از این استودان‌ها جهت نگهداری دام و علوفه استفاده کرده و نمای داخلی را مخدوش نموده‌اند. نکته قابل ذکر مربوط به نمای ورودی این استودان‌ها می‌باشد که نمونه شماره یک به صورت ۴ گوش بوده و دومی قسمت بالای آن به شکل قوسی درآمده است. از نمای بیرونی در حاشیه قاب‌ها، برای جلوگیری از ورود آب باران و دیگر نزولات جوی به داخل (به خاطر تقدس فضای استودان و تدفین و همچنین آلوده نشدن آب عنصر مقدس زرتشتی) شیارهایی را در صخره‌ها به وجود آورده و استحکام و جنس خوب سنگ‌ها باعث ماندگاری این وضعیت شده است. (تصویر شماره ۱۲) مابقی استودان‌های منطقه نیز از لحاظ ابعاد و فرم دارای وضعیتی مشابه نمونه‌های فوق می‌باشند.

۳-۶. کندی کلا

به فاصله ۵۰۰ متری شرق روستای پیر گبری در محل تلاقی کوه با دشت بر دیواره‌ای صخره‌ای و در ارتفاع ۳,۸۰ متر از دامنه کوه دو استودان قرار گرفته است. در داخل آن شواهدی از بقایای استخوان‌های انسانی به چشم می‌خورد. با توجه به اظهارات محلی اخیراً استخوان‌هایی از داخل استودان پایین ریخته شده است تا شاید در داخل آن بتوانند شیئی را بیابند. بین روستای پیر گبری و در مجاورت استودان کندی کلا یک نمونه دیگر از استودان قرار گرفته که به خاطر شدت آسیب‌های محیطی و جنس آهکی صخره دچار تخریب شده است.

۴-۶. گراب

این روستا در حدود هشت کیلومتری مسیر جاده شوشتر- مسجدسلیمان واقع شده است. در ضلع شرقی روستای گراب امامزاده عباس قرار گرفته است که در فاصله حدود ۳۰۰ متری ضلع شرقی و شمالی این مکان مذهبی ۵ استودان و ۴ دخمه وجود دارد. در دو طرف ضلع بالایی ورودی یکی از استودان‌ها حفره‌های کوچکی جهت قرارگیری محور درب وجود دارد. در قسمت داخلی این استودان در کنار دیواره‌ها سه طاقچه ایجاد شده که احتمالاً برای گذاشتن اشیای نذری یا به اعتقادات مزدیسنان در ارتباط با تدفین برمی‌گردد، بدین صورت که استخوان‌های جدید که می‌خواستند در داخل حفره ایجاد شده در کف قرار دهند استخوان‌های تدفین‌های قبلی را جمع کرده و در روی این طاقچه‌های کناری می‌گذاشتند. متأسفانه شبیه به اکثر نمونه‌های قبلی کف این استودان نیز مورد تخریب انسانی قرار گرفته است. یکی از طاقچه‌ها نیز دارای جای پاشنه درب بوده که شاید خود دارای درب جداگانه‌ای علاوه بر درب اصلی بوده است. در این محوطه سه دخمه سالم برجای مانده و یک مورد تخریب شده در سطح صاف صخره‌ها قابل مشاهده بوده و فرضیه پژوهش مبنی بر دومرحله‌ای بودن تدفین را اثبات می‌نماید (تصویر شماره ۲). حدود یک کیلومتری نرسیده به جاده روستا و در کنار جاده اصلی شوشتر به مسجدسلیمان در بین صخره‌ها استودانی دیگر با ورودی مستطیل شکل به ابعاد ۷۰*۶۰ سانتیمتر واقع شده و فضای داخل آن نیز دارای سه طاقچه در سه سمت ورودی، که بالای آن‌ها به شکل هلالی می‌باشد.

۵-۶. روستای تک‌تکاب

در کیلومتر ۵ و سمت چپ جاده شوشتر به مسجدسلیمان و حدود ۱ کیلومتری جاده اصلی روستای تک‌تکاب واقع شده است. در شمال شرقی این روستا چهار عدد استودان با فضای داخلی چهارگوش قرار دارد. ورودی این مجموعه به شکل مستطیل بوده که هنوز جای داربست مورداستفاده توسط حجار که برای بالا رفتن از صخره ایجاد شده مشخص است. برای ایجاد محلی صاف جهت تراشیدن استودان‌ها علاوه بر اینکه جنس مناسب سنگ مدنظر گرفته می‌شد، لایه‌هایی از سنگ‌های دیواره طبیعی تراشیده می‌شده است. در فضای داخل این استودان‌ها یک طاقچه چسبیده به دیوار انتهایی مقابل ضلع ورودی به عمق ۴۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۸۰ سانتی‌متری از سقف می‌باشند. در قسمت ورودی آن‌ها نمونه‌های پاشنه درب کنده‌شده در صخره در بالا و پائین آن وجود دارد. آثار ضربه‌های کلنگ و تیشه بر روی دیواره‌ها و سقف این استودان‌ها وجود دارد. این استودان‌ها امروزه توسط اهالی جهت انبار علوفه و گاه مورداستفاده قرار می‌گیرند. در بالای این استودان‌ها دخمه یا قبری کنده‌شده در سطح صخره وجود دارد.

۶-۶. مقام صاحب‌الزمان (عج)

در کنار این بنای مذهبی و در ضلع غربی آن در داخل دره و در جهت‌های غربی و شرقی دره تعدادی استودان ایجاد شده است. ارتفاع این دره به خاطر ریختن ضایعات و نخاله‌های ساختمانی جدید در آن بالا آمده است و استودان‌ها تقریباً هم‌سطح با زمین قرار گرفته‌اند، در صورتی که در گذشته و هم‌زمان با ساخت آن‌ها دارای ارتفاع بیشتری از سطح زمین بوده‌اند. در ورودی استودان‌های غربی به شکل مستطیل به ابعاد ۵۰*۵۵ سانتی‌متر می‌باشد. با توجه به اینکه در قسمت داخلی یکی از استودان‌ها با جنس نامناسب صخره مواجه شده‌اند به‌صورتی که صخره کاملاً دو تیکه بوده و از هم جدا شده به نظر می‌رسد که کار این استودان نیمه‌کاره رها شده است (جدول شماره ۱). آثار ضربه‌های کلنگ بر روی دیواره‌های این استودان کاملاً مشخص می‌باشد. در سمت غرب دره نیز تعداد ۴ استودان واقع شده است. این‌گونه دارای یک ورودی مستطیل شکل به ابعاد ۷۵*۶۰ سانتی‌متر می‌باشد. فضای داخلی دارای ظاهری شبیه به دیگر استودان‌ها می‌باشد به طریقی که در سمت راست دارای یک طاقچه‌ای که قسمت بالای آن قوسی شکل بوده و در کف آن نیز یک چاله مستطیل شکل وجود دارد. در شمال مقام صاحب‌الزمان (عج) و ورودی دره کالک شوران، همچنین در ضلع جنوبی روستای شیخ شمس‌الدین مشرف بر دره کالک شوران تعدادی قبر صخره‌ای وجود دارد که شواهدی از استخوان انسانی و سفال‌های دوره ساسانی به‌وضوح دیده می‌شود. اگر فرضیه پژوهش را بپذیریم، ابتدا تدفین در این قبور صخره‌ای روباز انجام می‌شده و در نهایت استخوان‌هایی که گوشت آن‌ها تجزیه شده بود به داخل استودان‌های مجاور منتقل می‌شد.

۶-۷. دره کالک شوران

دره کالک شوران از زیر مقبره شیخ شمس‌الدین آغاز شده و آب‌های سطحی و همین‌طور آب چشمه سوزنگر را با پیچ‌وتاب‌هایی که در این دره وجود دارد به نقطه‌ای در زیر روستای تخت‌قیصر انتقال می‌دهد. در قسمت‌های شمال و جنوبی این دره در مجموع ۱۸ استودان قرار گرفته است. تمرکز و فراوانی آثار و تنوع معماری آثار مجاور این دره جالب توجه می‌باشد. در مواردی چهار استودان به همدیگر راه دارند. ابعاد فضای بیرونی آثار بین

۶۰ تا ۸۰ سانتی‌متر متنوع بوده و علاوه بر نمونه‌های ساده ۴ گوش، یادآور مهارت‌های سازندگان در اجرای طاق و قوس‌های شبیه به سایر آثار معماری دوره ساسانی می‌باشد. فضای داخلی غالباً دارای چاله‌ای در کف بوده که عمق خود چاله‌ها بین ۴۰ تا ۸۰ سانتی‌متر و ابعاد چاله‌ها ۶۵ * ۹۰ سانتی‌متر می‌باشد. علاوه بر این فضای داخلی خود دارای ابعادی بین ۶۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر عرض و طول آن‌ها از ۱ تا ۱,۸۰ متر متغیر می‌باشد.

۶-۸. تخت قیصر

در اطراف روستای تخت‌قیصر واقع در شمال غربی شهرستان شوشتر تعداد زیادی استودان ساخته شده است که در مواردی داخل خانه‌های مسکونی قرار گرفته و حریم این آثار فرهنگی رعایت نشده، نمونه‌هایی نیز در ضلع جنوبی روستا متمرکز می‌باشند. در داخل یکی از خانه‌های روستا و ضلع شمالی منزل شخصی ۳ استودان قرار گرفته است. از لحاظ پلان و فرم با توجه به شواهد عینی از جمله وجود طاقچه‌ها که هنوز قسمت‌هایی از آن‌ها باقی مانده بودند، به نظر شباهتی با نمونه‌های قبلی داشته‌اند. ۱۱ استودان دیگر در ضلع جنوبی روستا قرار گرفته‌اند. تقریباً همه نمونه‌ها از لحاظ فرم و نمای ورودی شبیه به هم و دارای یک ورودی ۴ گوش می‌باشند. نکته مهم وجود کتیبه‌ای مربوط به دوره ساسانی بر سمت راست نمای ورودی استودانی است که قبلاً مورد ترجمه به زبان فارسی قرار گرفته و در مجلات معتبر به چاپ رسیده است و موضوع آن نام سازنده یا سفارش‌دهنده اثر می‌باشد (رهبر، ۱۳۸۳: ۵۶-۶۱؛ رهبر و نصرالله زاده، ۱۳۸۳: ۹۲؛ فاضلی، ۱۳۸۵: ۴۹). با توجه به وجود تعداد استودان‌های زیاد در این محل، پرسشی که به ذهن خطور می‌کند علت عدم وجود دخمه‌های مرتبط با استودان‌ها یا آثار مرحله اول تدفین می‌باشد. البته با مراجعه به منابع مکتوب برجای مانده از پیشینیان به نظر می‌رسد که قبل از ساخت‌وسازهای اهالی در دهه‌های پیش شواهدی از این دخمه‌ها وجود داشته است که سیدمحمدعلی امام آن‌ها را مشاهده کرده است: «...مقابر و مزارات در شوشتر و اطراف آن که شهری قدیمی است طبعاً فراوان است. کهن‌ترین همه دخمه‌هایی است که در خارج شهر طرف شمال و شرق آن در میان کوه کنده شده و میان آن حوض مانندی کنده شده که استخوان‌های مردگان را در آن‌ها فراوان دیده می‌شود...همچنین در تخته‌سنگ معروف به تخت قیصر، قبرهایی است که در سنگ تراشیده شده و سقف آن‌ها را با آجر پوشیده‌اند که در آن‌ها تاکنون کاوش نشده است و متعلق به دوره‌های قبل از اسلام می‌باشند...» (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۳۳-۱۳۲).

این قبرهای سرپوشیده می‌توانند همان دخمه‌هایی مرتبط با استودان‌های منطقه باشند که مرحله اول تدفین در آن‌ها انجام شده و در نهایت استخوان‌های برجای مانده از داخل آن‌ها به استودان‌ها منتقل شده است.

۶-۹. دره ماهی

در امتداد دره‌ای به این نام در شمال روستای تخت قیصر تعدادی استودان ایجاد گردیده است. نحوه تراش صخره در این قسمت به شکلی است که از ورود آب باران به داخل این استودان‌ها جلوگیری می‌شود. جهت ایجاد این آثار شخص حجار مکانی را انتخاب نموده که صخره‌ها بیشترین استحکام را داشته باشند. استودان درجایی ایجاد شده که بافت کنگلومرایی صخره به جنس سنگ‌های آهکی تبدیل و تراکم آن بیشتر شده است. در فضای داخلی چاله‌هایی مستطیل شکل به ابعاد ۵۵×۶۵ به عمق تقریبی ۴۰ سانتی‌متر وجود دارد و علی‌رغم

تخریب‌های صورت گرفته هنوز شواهد استخوانی در بعضی از آن‌ها دیده می‌شود. ارتفاع کف این استودان‌ها تا سقف حدود ۱ متر می‌باشد. سه طاقچه نیز در اطراف سه ضلع ورودی ایجاد شده است. در قسمت بالای بدنه صخره محل ایجاد استودان‌ها، یک سازه سنگی در حدود ۳۰-۴۰ متری ضلع غربی با یک ردیف سنگ‌های بزرگ بدون ملات به ابعاد تقریبی ۱متر×۴۰ سانتی‌متر با ورودی از ضلع جنوب وجود دارد. نمونه مشابه آن به فاصله دو تا سه متری ایجاد شده که توسط عوامل انسانی کاملاً به هم ریخته و فقط مصالح آن به شکل پراکنده برجای مانده است. به نظر می‌رسد این آثار دخمه‌هایی در ارتباط با استودان‌های موجود در این محل باشند که احتیاج به بررسی بیشتر و انجام کاوش داشته تا این ادعا رد یا مورد تأیید قرار گیرد.

۶-۱۰. شیخ شمس‌الدین

آرامگاه شیخ شمس‌الدین گلچشم در کنار تپه روبروی ضلع شمال شرقی دره‌ای که زیارتگاه مقام صاحب‌الزمان (عج) قرار دارد افتاده است. آرامگاهی که در این روستا قرار دارد به عقیده برخی از محققین شبیه به سبک و معماری دوره سلجوقی می‌باشد (افشار سیستانی، ۱۳۸۰: ۳-۲۹۲) حسینی شوشتری مرعشی به نقل از میر عبدالطیف موسوی شوشتری (ره) می‌آورد: «...دیگر بقعه عارف اعظم سید شمس‌الدین محمد گلچشم است که اکنون به شیخ «شمس‌الدین» مشتهر است از امکانه عالیه باصفاست و از قطعه نظمی که در پیشگاه ایوان آن عمارت مرقوم است مستفاد می‌شود که در عصر خود بجلالت قدر معروف و بسیادت موصوف بوده است و چون بعضی از علمای اعلام او را بتصوف نسبت دادند مردم از او منحرف شده تارک زیارت او شدند لهذا خرابی به آن عمارت راه یافت...» (حسینی شوشتری مرعشی، ۱۳۷۸: ۱۸۸).

در محدوده‌های شمال و شمال شرق روستا و در منطقه پرسایلا (کوه سوراخ) و دره گبری‌ها قرار گرفته است. این اصطلاح را در دوره اسلامی برای زرتشتی‌ها بکار می‌برده‌اند (افشار سیستانی، ۱۳۸۰: ۲۵۹). نحوه قرارگیری استودان‌ها در ضلع شمالی دره رو به سمت جنوب می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که سنگ‌های این دره بر اثر رانش‌های زمین در دوره گذشته جابجا شده‌اند. به طوری که یک گور صخره‌ای که معمولاً در بالای صخره‌ها قرار داشته و در ارتباط با استودان‌ها می‌باشد به کف دره بر روی حجم عظیمی از سنگ که در سر جای خود نیستند قرار گرفته است. این گور مستطیل شکل به ابعاد ۱۲۰*۴۵ و به عمق ۵۵ سانتی‌متر می‌باشد (تصویر شماره ۱). آثار یک گور صخره‌ای دیگر نیز که به خاطر ریزش صخره‌ها از جای اصلی خود جابجا شده قابل مشاهده می‌باشد. این استودان‌ها مورد تخریب‌های انسانی قرار گرفته‌اند و نمونه استخوان‌های خارج شده از فضای داخلی این استودان در خاک‌های جلوی ورودی این استودان قابل مشاهده است. فضای داخلی آثار این منطقه به ابعاد تقریبی بین ۲/۵-۲ متر در ۱/۵-۲ متر و ارتفاع تقریبی ۱/۵-۱ متر است و معمولاً حفره‌ای بر روی کف آن‌ها جهت ریختن استخوان در داخل آن ایجاد شده است.

۶-۱۱. استودان‌های منطقه کرای

در حدود ۵۰ کیلومتری جاده شوشتر به مسجد سلیمان منطقه کرای قرار گرفته است. این منطقه دارای دو قسمت علیا و سفلی می‌باشد. در منطقه کرای سفلی دو استودان وجود دارد. استودان شماره یک در ضلع شمالی دره کله براقی واقع شده و دارای یک ورودی به صورت مستطیل به ابعاد ۶۵×۵۰ سانتی‌متر می‌باشد که قسمت‌هایی از آن تخریب شده است. این استودان که از لحاظ معماری فضای داخلی از نمونه زیبای استودان‌ها است دارای سه طاقچه یا سکو به ابعاد تقریبی ۱۳۰×۵۰ سانتی‌متر در داخل می‌باشد. در کف استودان نیز

چاله‌ای وجود دارد که پر از خاک بوده و ابعاد آن نامشخص است. استودان شماره دو دارای درب ورودی مستطیل شکل به ابعاد ۶۰×۵۵ سانتی‌متر می‌باشد که قسمت پائین آن تخریب شده است. فضای داخلی آن به صورت چهارگوش با چاله‌ای مستطیل شکل به ابعاد ۵۰×۱۰۰ و عمق ۳۰ سانتی‌متر است. استودان دارای درب ورودی بوده که احتمالاً از جنس چوب و مواد فسادپذیر بوده که بر اثر گذشت زمان از بین رفته است، شواهد این ادعا قرار گرفتن یک لولا و یک کلون از جنس خود صخره که درون آن سوراخی قرار دارد در پشت ورودی می‌باشد. این قسمت باظرافت خاصی توسط حجار کار شده است.

در کرایبی علیا در بالای چشمه آب روستا بر روی بافت صخره‌ای تنها استودان این منطقه قرار گرفته است. دارای یک ورودی مستطیل شکل به ابعاد ۴۵×۶۵ سانتی‌متر که در قسمت انتها و سمت چپ فضای داخلی دارای طاقچه یا سکو می‌باشد. این نمونه نیز دارای لولای درب به قطر ۹ سانتی‌متر است که پس از انجام مراسم تدفین درب آن بسته می‌شده است.

۶-۱۲. منطقه داراچیتی کوه زر

در شمال شرقی شهرستان شوشتر و کیلومتر ۱۰ جاده‌ای که از سمت مقام صاحب، شوشتر را به منطقه گتوند و عقیلی مرتبط می‌سازد تعدادی استودان در دره‌ای به نام داراچیتی، در حوالی روستایی به نام کوه زر، در سمت چپ جاده قرار گرفته است. در غالب موارد این استودان‌ها دچار تخریب انسانی و طبیعی شده که شواهد آن دیده می‌شود و شدت تخریب محیطی به اندازه‌ای است که به خاطر ریزش سنگ‌های کناره دره، عبور از دره را مشکل می‌نماید. به نظر می‌رسد این اتفاق تحت تأثیر یک عارضه مهم طبیعی از قبیل سیلاب عظیم و یا زلزله‌ای رخ داده است. تعدادی از استودان‌های این مجموعه در رگه‌ای از صخره که دقیقاً در زیر قسمت کنگلومرای دارای استحکام بیشتری می‌باشد ایجاد شده‌اند. یکی از آن‌ها در ابعاد ۲۰۰×۱۸۰ سانتی‌متر با دیواره‌هایی صاف و بدون تزئین و چاله‌ای مربع شکل در وسط می‌باشد. در اطراف قسمت ورودی مربع شکل آن (۶۰×۶۰ سانتی‌متر) یک قاب به شکل فرورفته ایجاد شده است. احتمالاً استودان دارای دربی بوده که در این قاب قرار می‌گرفته است. به فاصله ۵ تا ۶ متری سمت چپ این استودان دریچه‌هایی دیده می‌شود که گویا هدف از ایجاد آن‌ها ساخت استودان‌هایی بوده که نیمه‌کاره رها شده‌اند. این دو دریچه ابعادی دقیقاً برابر با استودان ایجاد شده دارند. نمونه اول آن به عمق ۶۰ و دومی به عمق ۲۰ سانتی‌متر از صخره درآمده و مابقی نیمه‌کاره رها شده است. درون حفره شماره دو با مته جهت اهداف سودجویانه توسط حفاران غیرمجاز سوراخ‌هایی برای کار گذاشتن مواد منفجره ایجاد شده و بدون نتیجه رها شده‌اند. در امتداد دره و در ضلع غربی آن ۲ استودان بافرمی شبیه به نمونه‌های قبلی و شواهد استخوانی در مقابل ورودی آن‌ها به خاطر دخالت‌های انسانی و بیرون ریختن آن‌ها از داخل به بیرون و پائین استودان‌ها دیده می‌شود. در ضلع شرقی دره ۶ استودان دیگر نیز وجود دارد که همگی دارای ورودی‌های مستطیل شکل که از لحاظ پلان و وضعیت داخل شبیه به نمونه‌های قبلی می‌باشند که اغلب توسط حفاران غیرمجاز دچار تخریب شده و به مرور زمان نیز با خاک پر شده‌اند. ابعاد تقریبی این نمونه‌ها را می‌توان بین ۲۵۰×۲۰۰ سانتی‌متر و ارتفاع تقریبی ۱۵۰ - ۱۰۰ سانتی‌متر و همین‌طور ابعاد چاله کف ۶۰×۶۰ و عمق تقریبی بین ۳۰ - ۵ سانتی‌متر عنوان داشت.

۶-۱۳. استودان روستای پرچستان

در ۱۷ کیلومتری شرق شوشتر در کنار روستای پرچستان و در محلی به نام پاتخت قرار گرفته است. ابعاد ورودی آن ۶۵×۶۰ سانتی‌متر می‌باشد. قسمت بالای ورودی را طوری تراش داده‌اند که از ورود آب ناشی از نزولات جوی به داخل استودان جلوگیری شود (به خاطر مقدس بودن آب). نمای داخلی این استودان به صورت چهارگوش است. نکته جالب که تاکنون در هیچ‌کدام از استودان‌های منطقه مورد بررسی به آن برخورد نشده بود علاوه بر چاله بزرگ کف استودان با ابعاد ۹۰×۱۰۰ سانتی‌متر، در داخل آن یک چاله کوچک‌تر دیگر به ابعاد ۲۰×۵۰ سانتی‌متر ایجاد شده است. در انتهای این استودان در ضلع مقابل بیننده نیز دارای طاقچه‌ای می‌باشد. این استودان در مجاورت دره‌ای رو به سمت جنوب و شواهدی از دخمه در مجاورت آن می‌باشد.

در منطقه اشکفت سر روستای پرچستون، استودانی است منفرد بر صخره‌ای کم ارتفاع بر روی سطحی نسبتاً هموار به شکلی ساده و بدون طاقچه و تزئینات با چاله‌ای در وسط به ابعاد تقریبی ۹۰×۵۰ سانتی‌متر، ابعاد ورودی این استودان نیز ۵۵×۶۵ سانتی‌متر می‌باشد. در سمت راست و کمی متمایل به بالا قاب کم‌عمقی به چشم می‌خورد که به قصد ایجاد یک استودان دیگر ایجاد شده، ولی عملیات ساخت آن متوقف مانده است. شواهد محیط اطراف این استودان ما را به شیوه ایجاد این استودان‌ها رهنمون می‌سازد. به طریقی که نمای صخره اطراف استودان به اندازه نسبتاً زیادی دستکاری شده و یک صخره توسط حجاران بریده شده که با دیگر صخره‌ها متفاوت می‌باشد ایجاد شده است. با توجه به نظر برخی محققین آن‌ها از شیوه‌ای کامل جهت این کار بهره برده‌اند به طریقی که ابتدا صخره را مقداری تراش داده و قطعه‌های چوبی را در آن ترک‌ها کار گذاشته و سپس بر روی آن‌ها آب می‌ریخته‌اند و در مرحله بعد چوب‌های آب‌خورده ورم کرده و بر اثر کمی جا باعث ترک صخره می‌شده و در نهایت پس از چند بار تکرار، صخره مورد نظر را با این روش بریده و در نهایت به کارهای ظریف و صاف کردن مقطع بریده شده می‌پرداخته‌اند (غلامی و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۶۲)

۷. بحث

علی‌رغم اینکه در دوره ساسانی روش‌های متعددی برای تدفین وجود داشته، (حیدری، ۱۳۷۹: ۳۲۱-۳۱۷ و Farjamirad, 2015: 25-30) با بررسی استودان‌ها و دخمه‌های مناطق ایران، از جمله شهرهای فارس و دیگر نقاط خوزستان که در دوره ساسانی دارای اهمیت بوده‌اند، و پس از تطبیق با الگوهای برجای‌مانده در شهرستان شوشتر، نشان می‌دهد که روش تدفین صخره‌ای بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. طی بررسی‌های باستان‌شناختی در مناطق کوهستانی شمالی و شرقی شهر شوشتر و یافته‌های این پژوهش، تعداد ۱۴ محوطه دارای الگوهای معماری صخره‌ای در قالب تدفین مرتبط با آئین زرتشتی و حدود ۱۳۰ استودان و دخمه شناسایی گردید. به‌طور مبسوط تاکنون تحقیقی گسترده در استودان‌ها و دخمه‌های این منطقه صورت نگرفته است. در این خصوص صرفاً آقای اقتداری در کتاب خود چنین آورده است: «...تا الحال که مشغول نوشتن این سطور هستم از این‌گونه دخمه‌ها مملو از استخوان اموات و تکه لباس‌های ایشان باقی است و گاهی انگشتر زرد و بعضی مسکوکات نقره در آن‌ها دیده شده...» (اقتداری، ۱۳۷۵: ۸۰۷). از جمله مهم‌ترین این محوطه‌ها عبارت‌اند از برد میل، پیرگیری، گراب، تک تکاب، مقام صاحب، دره کالک شور، تخت قیصر، دره ماهی، شیخ شمس‌الدین، دره گبری، کرای علیا، کرای سفلی، کوه زر، پرچستان.

با توجه به فرضیه پژوهش و دومرحله‌ای بودن تدفین، به‌عنوان یکی از الگوهای رایج دوره ساسانی (۶۵۱-۲۲۴م) و استناد به متون مذهبی آن دوره از جمله کتاب وندیداد، که به قداست خاک و جلوگیری از دفن اجساد در آن اهمیت می‌دهد، انتظار می‌رفت در حین پژوهش و مطالعه میدانی در شهرستان شوشتر، به شواهد معماری صخره‌ای در امر تدفین مواجه شویم. لذا سعی بر شناسایی مستندات جهت اثبات و یا رد این فرضیه متمرکز شد. با این توصیف نمونه‌های فراوانی از آثار مربوط به مرحله اول تدفین (دخمه‌گذاری) در قبرستان‌های منطقه شناسایی و تاریخ‌گذاری این آثار را نیز قطعیت بخشید.

دخمه‌ها همانند اغلب مناطق ایران، یک حفره سنگی به ابعادی میانگین $۱,۵ \times ۷۵$ متر و به عمق ۵۰ سانتی‌متر در ارتفاع کوه‌ها و در فضای روباز، جهت از بین رفتن و خوردن گوشت‌های جسد توسط لاشه‌خواران می‌باشد. این دخمه‌ها مشرف به استودان‌ها و در قبرستان‌های گراب، تک تکاب، دره کالک شور، دره گبری‌ها و پرچستون مشاهده گردید (تصاویر شماره ۲-۱ و جدول شماره ۱). نمونه‌های مشابه این آثار (مرحله اول تدفین) در سایر مناطق ایران، از جمله در دیگر شهرهای استان خوزستان، بوشهر، سیستان بلوچستان، فارس و... نیز مشاهده شده است.

در روستای طویله بخش لمر شهرستان اندیکا بر روی صخره‌ای که در مجاور آن دو استودان قرار گرفته و در منطقه حصیرآباد اهواز و در محله منبع آب تعدادی از این قبور (دخمه) در سنگ‌های ماسه‌ای کنده شده‌اند. ابعاد این قبور متفاوت بوده و به‌طورمعمول از ۲,۶۰ تا ۱,۸۰ متر طول و ۹۰ تا ۵۰ سانتی‌متر عرض و ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر عمق می‌باشند (تصویر شماره ۳).

در منطقه چابهار و در بستر سنگی حاشیه جنوب‌غربی روستای تیس و در پشته سنگی پیل‌بند دخمه‌هایی در ابعاد مختلف و به عمق ۵۰ سانتی‌متر و در جهت شمالی - جنوبی (رجبی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۲) و در منطقه گناوه بوشهر در پشته سنگی «تیر رسول» و سواحل بندر ریگ، قبوری بر روی سنگ که با عرض ۵۰ و طول حداکثر ۲۰۰ و عمق ۳۰-۴۰ سانتی‌متر در جهت‌های مختلف شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بدون ظرافت خاصی ساخته شده‌اند (توفیقیان، ۱۳۸۸: ۲۴). در ارتفاعات شمالی منطقه سیراف در قبرستان‌های دره‌های لیر و شیلو با ورودی‌های دارای قاب‌های با شکل‌های چهارگوش در لایه‌های ماسه‌سنگی کنده شده‌اند. بسترهای سنگی کوه‌های سیراف، علاوه بر گور دخمه‌ها (استودان‌ها) هزاران قبر کنده شده در ماسه‌سنگ به طول ۲,۱۰ متر و عرض ۵۰ سانتی‌متر و عمق ۶۰-۴۰ سانتی‌متر به چشم می‌خورد این قبرستان به شماره ۶۵۰۲ در سال ۱۳۸۱ به ثبت ملی رسیده است. (توفیقیان، ۱۳۹۵: ۳۴-۱۷) قبرستان شغاب بوشهر علاوه بر داشتن تعدادی قبور در سنگ سخت کنده شده‌اند که به‌عنوان مرحله اول تدفین (دخمه‌گذاری) کاربرد داشته، نهایتاً استخوان‌های اجساد را پس از جدا شدن گوشت آن‌ها، به خمره‌های تدفین و استودان‌های سنگی منتقل می‌گردید (میرفتح، ۱۳۶۶: ۴۴-۶۱).

نمونه‌های زیادی از این دخمه‌ها در منطقه فارس در کوه مهر (واندنیبرگ، ۱۳۷۹: لوح ۶۲-۶۱) کوه حسین، کوه ایوب، کوه سروی و تنگ خشک سیوند، کوه رحمت، کوه زیدون، آخور رستم، چله گاه لامرد و بیشاپور کشف شده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۱). این آثار در کنار استودان‌های منطقه فارس، مستطیل شکل با ابعاد ۱,۵ تا ۲ متر طول و ۵۰ سانتی‌متر عرض و ۵۰ سانتی‌متر عمق می‌باشند و مرحله اول تدفین (دخمه‌گذاری) در آن‌ها انجام می‌شده است (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۲۹-۳۰). شیوه دخمه‌گذاری و اصطلاحاً مرحله اول تدفین، از دوران

ساسانی رواج داشته و در ایران نیز میان زرتشتیان تا اوایل قرن بیستم بدان عمل می‌شد و در هند و پاکستان هنوز میان پارسیان اجرا می‌شود (رضی، ۱۳۸۴: ۷۸-۴۱). مادام دیولافوا، حین سفر به ایران در منطقه اطراف تهران با این شیوه تدفین مواجه شده و تصویری از آن را منتشر نموده است (دیولافوا، ۱۳۸۵: ۱۴۷) (تصویر شماره ۴). به نظر می‌رسد از آنجایی که مرحله دوم و نهایی تدفین در استودان‌ها انجام می‌شده، تمرکز بیشتری در شکل بخشیدن به معماری آن اختصاص یافته است.

استودان‌ها در منطقه شوشتر عمدتاً دارای فضای داخلی اتاقکمانندی تراشیده شده در سنگ با ابعاد حدودی ۱،۵×۲ متر و با ارتفاعی میانگین ۱ متر بوده که در وسط کف دارای یک چاله‌ای به عمق ۳۰ تا ۸۰ سانتی‌متر می‌باشند. در فضای داخلی استودان‌ها طاقچه‌هایی سنگی، جهت نگه‌داری ذورات و یا احیاناً اشیایی که در کنار مردگان قرار می‌دادند ایجاد شده است. از آنجایی که شواهد استخوانی موجود در این استودان‌ها متفاوت می‌باشد، نشان می‌دهد که قبرها اختصاص به یک نفر نداشته، بلکه از آن‌ها به‌طور مکرر استفاده شده، (درخشی و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۷) و پس از ورود استخوان‌های جدید، استخوان‌های کف چاله به طاقچه‌هایی که به همین منظور در اطراف دیواره‌های داخلی استودان ساخته شده منتقل می‌شده‌اند.

جهت جغرافیایی قبور متفاوت بوده و با نمایی به سمت شرق، جنوب و جنوب غرب و شمال می‌باشند. درباره شرایط زیست‌محیطی و تأثیر آن بر پراکندگی قبور، می‌توان چنین فرض نمود که عامل آب و وجود کوهستان‌ها، نقش عمده‌ای در الگوی پراکندگی از این نوع شیوه تدفین داشته است. چراکه عمدتاً استودان‌ها به‌صورت مجموعه‌ای یا تکی در مجاورت محل گذر رودخانه‌ها و در حاشیه دره‌ها و بر روی صفحه عمودی صخره‌ها که نوار شمالی و شرقی این شهرستان را در بر گرفته، ایجاد شده‌اند. با مطالعه همه‌جانبه ریخت‌شناسی قبور شهرستان شوشتر، مشخص گردید که فرم کلی آن‌ها به سه دسته چهارگوش، بیضی و دارای طرح ایوان در نمای ورودی تقسیم می‌شوند (تصویر شماره ۱۰). این ورودی‌ها طوری طراحی شده‌اند که از ورود آب به‌عنوان یک عنصر مقدس به داخل آن‌ها ممانعت به‌عمل آمده است. به‌طوری که در مواردی داری شیاری در بالای درب جهت هدایت آب باران به اطراف ورودی می‌باشند (تصویر شماره ۱۲).

شواهدی از دخمه‌ها و استودان‌ها در دیگر مناطق ایران از جمله استان فارس (واندبرگ، ۱۳۷۹: ۴۶)، (هوف، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۰)، (جعفری، ۱۳۸۶: ۶۰)، (علیپور، ۱۳۸۴: ۶۷) حاشیه کوه‌های زاگرس مرکزی (حیدری، ۱۳۷۹: ۳۱۷-۳۲۱) کرمانشاه (غلامی و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۰۲-۳۴۱) در دامنه کوه رحمت و حوالی شهر استخر، کوه زیدون، کوه زاغه، سرمشهد، اقلید، کوه حسین در فارس که ۱،۲۴ تا ۱،۳۴ متر عرض و ۱،۰۶ تا ۱،۰۸ متر طول و ۱،۱۰ متر ارتفاع دارند (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۳)، (جعفری، ۱۳۸۶: ۶۴-۶۳)، (Farjamirad, 2015: 25-30) در منطقه-ی کوه‌رنگ بختیاری نیز نمونه‌هایی از این آثار وجود دارد که عمدتاً فضایی مکعب شکل بوده و در صخره‌های منفرد کنده شده‌اند. این آثار که در منطقه به برد گوری شهرت دارند دارای ورودی مربع شکل بدون تزیین خاصی و اندازه حدود ۵۰×۵۰ سانتی‌متر می‌باشند. ورودی این آثار عمدتاً دارای قاب کنده شده در سنگ می‌باشد که در مواردی حفره‌های کوچک در سنگ به قطر ۶ و عمق ۸ سانتی‌متر در بالا و پایین گوشه داخلی ورودی می‌باشند که محل قرارگیری محور درب (پاشنه و کلون) بوده است (روستایی، ۱۳۹۴: ۴۱).

عقاید زیادی درباره تاریخ‌گذاری این استودان‌ها و دخمه‌ها که در سنگ‌ها و صخره‌ها ایجاد شده وجود دارد، به طریقی که عده‌ای نمونه‌هایی از آن‌ها را مربوط به دوره ماد (غلامی و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۰۲-۳۴۱)، دوران

هخامنشی (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۳۰)، (گیمین، ۱۳۸۵: ۱۵۱)، (رضی، ۱۳۸۲: ۲۳) یا فراهخامنشی می دانند. برای نمونه گور دخمه‌های دکان داوود، صحنه و فخریکا واقع در غرب ایران به عقیده پژوهشگران می‌تواند متعلق به دوران فراهخامنشی باشد (فرجامی راد، ۱۳۸۹: ۱۴).

این فرضیه‌ها در حالی مطرح می‌شوند که گاهنگاری این آثار در شهرستان شوشتر، با استناد به نمونه‌های کتیبه دار و شواهد معماری آن‌ها که کاملاً منطبق با الگوهای دوره ساسانی است، منطقی‌تر به نظر می‌رسد. از ویژگی‌های مهم و منحصر به فرد در معماری قبور (استودان‌ها) شوشتر، چگونگی شکل و فرم ورودی‌های آن است، که از دو بخش طاق و پایه تشکیل شده و یادآور ایوان بناها در کاخ‌ها و معابد دوره ساسانی می‌باشد. این دسته از بناها علیرغم تنوع در طرح، دارای چیدمان منظم با محورهای متقارن و ایوان به‌عنوان عنصر شاخص و مسلط معماری می‌باشند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۸۳). سازندگان استودان‌های صخره‌ای نیز همانند معماران خیلی از طاق و ایوان بناهای دوره ساسانی، اجرای طاق، قوس‌ها و ایوان ورودی را غالباً به‌شکل یک نیم‌دایره روی دو جرز پایه قرار داده، و قطر نیم‌دایره طاق را بیشتر از عرض ورودی در بخش پایه به نمایش و اجرا گذاشته‌اند (تصاویر شماره ۹-۷).

در اصطلاح، رایج‌ترین نمونه ایوان‌های دوره ساسانی با ترکیب طاق و پایه راه، طاق‌های «جاکلیدی‌شکل» می‌نامند. نمونه‌هایی از این نوع طاق را می‌توان در بناهای آتشکده تخت‌سلیمان، کاخ اردشیر در فیروزآباد، بنای اسپاخو (قدیمی‌ترین بنای دوره ساسانی در خراسان شمالی و کیلومتر ۱۱۵ محور بجنورد به جنگل گلستان و ۶۵ کیلومتری غرب شهر آشنه و جنوب روستای اسپاخو)، چهارطاقی قصرشیرین و کاخ کسری در عراق دید (تصاویر شماره ۵-۶) نمونه‌هایی از این طاق‌ها در منطقه کالک شوران، به پیدایی آمد که تاریخ‌گذاری این استودان‌ها در دوره ساسانی را قطعیت می‌بخشد. استودان‌ها و دخمه‌های سایر مناطق کشور، در مواردی دارای کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی می‌باشند که سازنده و یا شخصی که به سفارش ایشان اثر ایجاد شده را معرفی می‌کنند (نصرالله زاده، ۱۳۸۵)، (اکبرزاده، ۱۳۸۱) در این شهرستان در تخت قیصر و دره کالک شور استودان‌ها با کتیبه‌هایی همراه می‌باشند (تصویر شماره ۱۱). به‌طور نمونه در یکی از کتیبه‌ها از شخصی بنام (بخت نوی) به‌عنوان سازنده یا سفارش‌دهنده اثر نام می‌برد (فاضلی، ۱۳۸۵: ۱۲۴-۱۲۱). این مسئله نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل تاریخ‌گذاری این آثار در دوره ساسانی و اهمیت شهر شوشتر در این دوره باشد.

۸. نتیجه

با توجه به رسمی شدن دین زرتشت در دوره ساسانی، روحانیون سعی داشتند که تدفین را به شکلی که قوانین آن در کتاب‌های مذهبی آمده، انجام دهند. با استناد به کتاب دینی زرتشتیان و با توجه به احترام مظاهر طبیعت، حفظ قداست و تمیزی خاک که از جمله عناصر مقدس محسوب می‌شده و جلوگیری از تماس جسد مرده یا نسوش (برگرفته از نسو، نام دیوی که پلیدترین کار، یعنی تباه کردن کالبد بی‌جان با اوست). که یکی از آلاینده‌ها به حساب می‌آمده، تدفین در دوره ساسانی به‌صورت دومرحله‌ای و بر روی صخره‌ها انجام می‌شده است. به طریقی که اجساد مردگان ابتدا در دخمه‌ها نگهداری و پس از تجزیه گوشت، استخوان‌های باقی‌مانده را به استودان‌ها منتقل می‌کردند.

دخمه‌های به کار گرفته‌شده در این منطقه عموماً محوطه‌های روبازی هستند که در مجاورت استودان‌ها و روی سنگ‌ها کنده‌شده و این شیوه جهت حفظ قداست خاک و آلوده نکردن آن با بقایای اجساد انسانی مدنظر بوده است. نمونه‌هایی نیز وجود دارند که دیواره صخره‌ها را تراشیده و برای مرحله اول تدفین از آن‌ها استفاده شده است. استودان‌ها که به‌عنوان جایگاه اصلی استخوان‌های منتقل‌شده از دخمه‌ها در نظر گرفته می‌شده، در دل صخره‌ها و در دیواره‌های سنگی کوه‌ها ساخته‌شده که دارای ویژگی‌های مشترک با سایر مناطق ایران از جمله فضای ورودی چهارگوش و وجود طاقچه‌هایی در فضای داخلی بوده است. معماری خاص و منحصر به فرد استودان‌های این منطقه، با طاق‌های هلالی و اصطلاحاً ورودی‌های به شکل جاکلیدی که در سایر آثار معماری هم‌زمان در دوره ساسانی قابل تطبیق بوده و تاریخ‌گذاری این آثار را در سراسر ایران قطعیت می‌دهد. برای جلوگیری از آلودگی آب نیز که یکی دیگر عناصر مقدس دین زرتشتی می‌باشد، و ممانعت از ورود آن به فضایی که استخوان‌ها در آن قرار داشت، بر بالای استودان‌ها عمدتاً شیارهایی برای هدایت آب باران به اطراف استودان‌ها ایجاد شده است. فلذا در دوره ساسانی نقش و تأثیر مذهب در چگونگی انجام تدفین و انتخاب معماری صخره‌ای اثبات می‌گردد.

فراوانی و تعداد زیاد دخمه‌ها و استودان‌های منطقه موردبررسی، نشان می‌دهند که حضور روحانیون زرتشتی در دوره ساسانی در خوزستان به‌خصوص در شهرستان شوشتر، (با استناد به بیش از ۱۳۰ استودان و دخمه) اهمیت داشته است. شاید یکی از دلایل بارز این قضیه را بتوان جمعیت زیاد غیر ایرانیانی دانست که در دوره ساسانی در خوزستان زندگی می‌کرده‌اند. پاتس نیز عقیده دارد که بیشتر جمعیت خوزستان در دوره ساسانی، مسیحی بوده‌اند (پاتس، ۱۳۸۵: ۶۳۶). بنابراین روحانیون زرتشتی برای کنترل تبلیغات دینی مسیحیان، بیشتر از سایر مناطق ایران به خوزستان رفت‌وآمد داشته‌اند.

درنهایت مهم‌ترین نکته قابل‌ذکر، رعایت نکردن عرصه و حریم این آثار فرهنگی در شهرستان شوشتر است که تقریباً در همه موارد بدون استثنا وجود دارد و باید مسئولین ذی‌ربط (سازمان میراث فرهنگی به‌عنوان متولی این قضیه) توجه بیشتری برای حفظ هویت ملی این مرزوبوم داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به معنای نگاه کردن به خورشید است و در اصل چیزی را در معرض نور خورشید قرار دادن برای پاک شدن است. در آئین مغان و رسوم و شریع موبدان رسم بود که مرده را در بالای بلندی کوه به‌گونه‌ای گذاشته که چشم‌ها به‌سوی خورشید باشد و این نوعی وسیله آمرزش گناه و پاک شدن بود. این رسم از ایران دوران ساسانی وجود داشته و تا چند سال پیش در ایران مرسوم بوده و در بین پارسیان هند و پاکستان هنوز رواج داشته و آن را اجرا می‌کنند (رضی، ۱۳۸۴: ۷۸_۴۱؛ علیپور، ۱۳۸۴: ۵۳).
۲. واژه استودان از دو قسمت تشکیل شده است. *Ast* «استخوان» و *Dān* «دان، دار» از ایران باستان *dāna* به معنای دربرگیرنده، که در ایرانی میانه غربی به‌عنوان پسوند مکان به کار می‌رود. لذا این واژه به معنای محل نگهداری استخوان می‌باشد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۳۲۳).
۳. در همین اواخر، که زرتشتیان تحت تأثیر فرهنگ تدفین توسط مسلمانان قرار گرفته‌اند، چون خاک را عنصر مقدس می‌دانند و نباید لاشه و مرده با آن در تماس باشد، آن‌ها تختی می‌سازند به نام گهن (*Gahan*) از جنس آهن که در گور، مرده را روی آن می‌نهند تا با خاک در تماس نباشد (رضی، ۱۳۷۶: ۱۵۵-۱۴۷)، (علیپور، ۱۳۸۴: ۵۳).

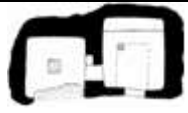
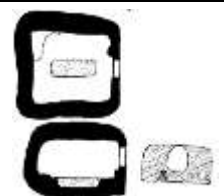

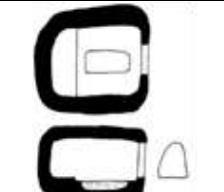


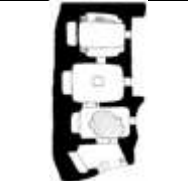

پیوست‌ها



نقشه ۱-۳: موقعیت جغرافیایی و پراکنش تعدادی از استودان‌های شهرستان شوشتر

جدول ۱: طرح‌های پلان، نمای داخلی و بیرونی تعدادی از استودان‌های شهرستان شوشتر

	<p>طرح ۸: گراب شماره یک به ترتیب از راست به چپ (دیواره انتهایی داخل استودان، دیواره سمت راست ورودی و نمای درگاهی دید از داخل به بیرون)</p>		<p>طرح ۱: پلان، مقطع و درگاه ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان بردمیل</p>
	<p>طرح ۹: پلان، مقطع و درگاه ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان شماره دو گراب (مجموعه شمال شرقی)</p>		<p>طرح ۲: پلان و درگاه‌های ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان‌های شماره یک و دو پیرگیری شرقی</p>
	<p>طرح ۱۰: پلان، مقطع و نمای درگاهی (دید از داخل به بیرون) استودان تک تکاب</p>		<p>طرح ۳: پلان استودان‌های شماره یک و دو پیرگیری شمالی</p>

	<p>طرح ۱۱: پلان استودان‌های شماره یک و دو کالک شوران جنوبی</p>		<p>طرح ۴: پلان، مقطع و نمای درگاه ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان شماره سه مجموعه پیرگیری شمالی</p>
	<p>طرح ۱۲: پلان، مقطع و درگاه (دید از داخل به بیرون) استودان شماره سه کالک شوران جنوبی</p>		<p>طرح ۵: پلان، مقطع و درگاه ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان کندی کلا</p>
	<p>طرح ۱۳: پلان، مقطع و درگاه ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان شماره نه کالک شوران جنوبی</p>		<p>طرح ۶: پلان، مقطع و نمای درگاه ورودی (دید از داخل به بیرون) استودان بین کندی کلا و روستای پیرگیری</p>
	<p>طرح ۱۴: پلان مجموعه استودان‌های شماره ۴-۷ کالک شوران شمالی</p>		<p>طرح ۷: پلان استودان گراب یک</p>



تصاویر ۱-۲: نمونه‌هایی از دخمه‌های شوشتر در محوطه‌های شیخ شمس‌الدین و گراب



تصویر ۴: (دیولافوا، ۱۳۸۵: ۱۴۷)



تصویر ۳: دخمه‌های موجود در شهر اهواز (توفیق‌یان، ۱۳۹۵: تصویر ۲۰)



تصاویر ۵-۶: بناهای معماری دارای طاق و قوس متعلق به دوره ساسانی قابل مقایسه با معماری استودان‌ها



تصاویر ۷-۹: استودان‌های با ورودی‌های طاق و قوس‌دار قابل مقایسه با سایر آثار معماری مشابه در دوره ساسانی



تصویر ۱۱: کتیبه استودان منطقه تخت قیصر



تصویر ۱۰: مجموعه استودان‌های پیرگیری شهرستان شوشتر



تصویر ۱۳: تعداد زیاد استخوان‌های موجود در داخل استودان منطقه گتوند (درخشی و دیگران ۱۳۸۶)



تصویر ۱۲: نمای استودان پیرگیری و شیار بالای آن جهت هدایت آب و جلوگیری از ورود نزولات جوی به استودان

منابع

- آشتیانی، جلال‌الدین، (۱۳۸۱)، *زرتشت مزدیسنا و حکومت*، تهران، سهامی انتشار.
- ابن بطوطه، (۱۳۷۰)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران، آگاه.
- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۵)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران، سمت.
- اعتمادالسلطنه، (۱۳۶۳)، *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران*، تهران، امیرکبیر.
- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۸۰)، *یادگارهای خوزستان باستان*، تهران، روزنه.
- اقتداری، احمد، (۱۳۷۵)، *آثار و بناهای تاریخی خوزستان (دیوار شهریاران)*، تهران، انجمن آثار ملی.
- اکبرزاده، داریوش، (۱۳۸۱)، *کتیبه‌های پهلوی*، تهران، پارینه.
- امام شوشتری، سید محمدعلی، (۱۳۳۱)، *تاریخ جغرافیایی خوزستان*، موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- پاتس، دنیل، (۱۳۸۵)، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه: زهرا باستی، تهران، سمت.
- ترومپلمن، لئو، (۱۳۷۲)، «قبور و آئین تدفین در دوره ساسانی»، ترجمه: مولود شادکام، *باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره پیاپی پانزده، صص ۳۷-۲۹.
- تقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۱)، *شوشتر در گذر تاریخ*، تهران، موسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب.
- توفیقیان، حسین، (۱۳۸۸)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی بنادر شمالی خلیج فارس» مرکز اسناد پژوهش‌شکده باستان‌شناسی، انتشار نیافته.
- توفیقیان، حسین و باستانی، محرم، (۱۳۹۵)، «پژوهشی در آئین‌های تدفین دوره ساسانی در سواحل خلیج فارس»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان، سس ۳۴-۱۷.
- جعفری، محمدجواد، (۱۳۸۶)، «ساختارهای مختلف تدفین در دوران تاریخی فارس بر اساس بررسی روشمند دامنه‌های شمالی کوه رحمت»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی بهمن فیروزمندی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- جعفری، محمد جواد، (۱۳۸۶)، «گورهای کوه رحمت: مدارکی در زمینه شیوه‌های تدفین دوره‌های هخامنشی تا ساسانی در فارس»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۲۱، شماره ۲، سال ۲۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۴۲ و ۴۳، صص ۶۷-۶۰.
- حسینی شوشتری مرعشی، علاءالملک، ۱۳۷۸، «فردوس» در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.
- حیدری، احمد، (۱۳۷۹)، «دخمه‌های دوران اشکانی و ساسانی در حاشیه کوه‌های زاگرس مرکزی»، اثر، شماره ۳۲-۳۱، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۳۲۱-۳۱۷.
- درخشی، حسن و دیگران، (۱۳۸۶)، «مطالعه معماری صخره‌ای (گوردخمه) شهرستان گتوند و شواهد استخوانی آن‌ها»، در *مجموعه مقالات نخستین همایش منطقه‌ای باستان‌استخوان‌شناسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، صص ۹۷-۸۹.
- دریایی تورج، ۱۳۸۳، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه: ثاقب‌فر مرتضی، ققنوس، تهران.
- دیولافوا، ژان، (۱۳۸۵)، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه: فرهوشی علی‌محمد، تهران، دانشگاه تهران.
- رجبی، نوروز، (۱۳۹۳)، «نویافته‌های باستان‌شناسی از اهواز، گورستان حصیرآباد و طرح چند پرسش»، *باستان‌پژوهی*، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۹۲، صص ۸۸-۸۲.
- رضی، هاشم، (۱۳۷۶)، *وندیداد*، تهران، فکر روز، جلد اول.
- رضی، هاشم، (۱۳۸۲)، *آئین مغان*، تهران، سخن.
- رضی، هاشم، (۱۳۸۴)، *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*، تهران، سخن.
- روستایی، کوروش، (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی محوطه‌های باستانی منطقه کوه‌رنگ بختیاری»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، پاییز و زمستان، شماره ۹، صص ۴۶-۲۷.
- رهبر، مهدی، (۱۳۷۶)، «کاوش باستان‌شناسی در گلالک شوشتر»، *یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صفحه ۱۷۶.

- رهبر، مهدی، (۱۳۸۳)، «کوشش‌های آموزشی باستان‌شناسی در دستا (شوشتر)»، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور، انتشار نیافته.
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۴۸)، «شهر تاریخی دستا در شوشتر»، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره چهار، صص ۷۸-۷۶.
- سورتیچی، سامان، (۱۳۹۰)، «معرفی شیوه تدفینی از دوره ساسانی در قلعه کنگلو واقع در سوادکوه مازندران»، مطالعات باستان‌شناسی، تهران، دوره ۳ شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۹۲-۷۷.
- شاکد، شائول، (۱۳۸۱)، *از ایران زرتشتی تا اسلام*، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس.
- شعار جعفر (۱۳۸۲)، *دیوان شعر رودکی*، تهران، قطره، چاپ سوم.
- علیپور، نسیم، (۱۳۸۴)، *دادگاه چم*، تهران، سمیرا.
- غلامی، غلامحسین و دیگران، (۱۳۸۴)، «شناخت ویژگی‌های ساختاری گوردخمه‌های منتسب به دوره ماد در محدوده کنونی ایران»، در: *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد دوم، صص ۴۰۲-۳۴۱.
- فاضلی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، «سنگ نوشته نویافته به زبان پهلوی ساسانی در تخت قیصر شوشتر»، *مطالعات تاریخی*، ضمیمه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره سیزده و چهارده، صص ۱۲۴-۱۲۱.
- فرای، ریچارد، (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، ترجمه: حسن انوشه، جلد سوم، قسمت اول، تهران، امیرکبیر.
- فرجامی راد، مهدخت، (۱۳۸۹)، «پژوهشی نو در گاهنگاری گوردخمه قیزقاپان (کردستان عراق)»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان، صص ۱۶-۷.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۷۷)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۱)، *هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی*، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، شرکت علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۹)، *بیشاپور*، ترجمه: اصغر کریمی، جلد ۱، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۸۰)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه: محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
- گیمن، ژاک، (۱۳۸۵)، *دین ایران باستان*، ترجمه: رویا منجم، تهران، نشر علم.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، (۱۳۸۴)، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه: عنایت‌اله رضا، تهران، علمی و فرهنگی.
- محمدی، مریم و دیگران، (۱۳۹۰)، «مطالعه گونه شناسی، عناصر و اجزاء معماری ایران در دوره ساسانی»، *نامه باستان‌شناسی*، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، شماره ۱، صص ۱۰۴-۸۳.
- مقدم، عباس، (۱۳۸۴)، *بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر*، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی کشور.
- میرفتاح، علی‌اصغر، (۱۳۵۵)، «قلعه سلاسل شهر شوشتر»، *بررسی‌های تاریخی*، سال یازده، شماره دو، صص ۷۷-۶۸.
- میرفتاح، علی‌اصغر، (۱۳۶۶)، «گورستان شغاب»، *اثر*، سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۲۴، صص ۶۱-۴۴.
- نصراله‌زاده، سیروس، (۱۳۸۵)، *کتیبه‌های پهلوی کازرون*، تهران، کازرونیه.
- واندنبرگ، لویی، (۱۳۷۹)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- هوف، دیتریش، (۱۳۸۰)، «قبور زرتشتی ساسانی در فارس»، *باستان‌پژوهی*، هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران، شماره هشت، صص ۵۲-۵۰.

Daryaei, T., 2002. *Šahrestānīhā ī Ērānšahr*, California, Mazda Pub.

Daryaei, T., 2009. *Sasanian Persia: the rise and fall of an empire*, London, by I. B. Taurise and Co Ltd.

Farjamirad, M., 2015. *Mortuary practices in ancient Iran from the Achaemenid to the Sasanian period*, Oxford, BAR International Series 2747.

Molleson, T., 2009. *Two Sasanian ossuaries from Bushehr, Iran evidence for exposure of the dead*. *Bioarchaeology of the Near East* 3: 1-16.